

عضویت در سازمان جهانی تجارت و تعمیق صادرات صنعتی با رویکرد مشارکت در زنجیره ارزش جهانی

مسعود کمالی اردکانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تبادل

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، کشورهای توسعه یافته ای که طبعاً توان تولید کلیه قطعات یک کالای نهایی را دارند، ترجیح می دهند از منابع و مزیت های نسبی سایر کشورها برای تولید کالایی با قیمت و کیفیت بهتر و رقابتی تر بهره گیرند، تقطیع بین المللی فرایندها و مراحل مختلف تولید در قالب زنجیره های جهانی ارزش، فرصتهای بیشتری به کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی می دهد تا بر اساس منابع و مزیت های نسبی خود از جمله نیروی کار ارزان به مرحله یا سطحی از زنجیره های جهانی ارزش وارد شده و بتدریج بکوشند تا به مراحل و سطوح بالاتر ارتقا یابند. مشارکت در زنجیره های جهانی ارزش باعث می شود که این کشورها به تولید و رقابت در سطحی جهانی دست یابند، به جای آن که به ایجاد صنایعی منزوی و حمایتی و غیر رقابتی بپردازند. روندهای اقتصاد جهانی حاکی از آن است که:

۱- سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت بر اساس ارزش افزوده در دو دهه اخیر دو برابر شده است (بخش عمده ای از این افزایش تجارت به کشورهای در حال توسعه بزرگ و دارای رشد سریع مانند چین، هند و برزیل مربوط می شود)؛

۲- رشد تجارت ارزش افزوده کشورهای در حال توسعه از رشد صادرات آنها بیشتر بوده است (این مطلب نشانگر مشارکت فزاینده این کشورها در زنجیره های جهانی ارزش است)؛

۳- اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای فقیرتر آنها به طور فزاینده ای به سمت مشارکت در زنجیره های جهانی ارزش پیش می روند؛

۴- تجارت در قالب زنجیره های جهانی ارزش که به وسیله شرکتهای چندملیتی انجام می گیرد، ۸۰ درصد تجارت جهانی را در بر می گیرد. در واقع، کلیه کشورها - حتی کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی - در زنجیره های جهانی ارزش مشارکت دارند و فقط ماهیت، گستره، و عواید مشارکت آنها در زنجیره های مذکور تفاوت دارد.

عمق بخشی به صادرات صنعتی مبتنی بر مزیت نسبی از زمان اجرای برنامه سوم توسعه در دستور کار دولت می باشد، اما تحول اساسی در صادرات با ارزش افزوده بالا مشاهده نشده است. صادرات صنعتی بدون لحاظ محصولات پتروشیمی در سال ۹۴ به رقم ۱۵ میلیارد دلار رسیده و میزان

صادرات پتروشیمی به رقم ۱۵/۱ میلیارد دلار بالغ گشته که با در نظر گرفتن ظرفیت‌های داخلی کشور اصلاً رقم قابل توجه‌ای نیست. نکته دیگر اینکه ارزش هر تن کالای صادراتی ۴۶۱ دلار می‌باشد که در مقایسه با ارزش هر تن کالای وارداتی ۱۱۸۳ دلار شکاف بالایی را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد اجرای همزمان سیاست جایگزینی واردات و توسعه صادرات عملکردی بهتر از این برای اقتصاد کشور رقم نخواهد زد و تعمیق صادرات هم در کوتاه مدت اتفاق نخواهد افتاد. اتخاذ سیاست توسعه صادرات با محوریت مشارکت در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند چاره کار باشد که البته دارای الزاماتی است که بایستی در سطح کلان تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف شود.

موقعیت جغرافیایی، اندازه بازار، منابع طبیعی ارزان، کیفیت و هزینه‌های عوامل تولیدی، نیروی کار ماهر و محیط مناسب کسب‌وکار از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند به ورود یک کشور به زنجیره جهانی ارزش کمک کند. اقتصاد ایران تقریباً همه این ویژگی‌ها را داراست. با برطرف شدن تحریم‌ها و در شرایط پساتحریم بدلیل وجود فرصت‌های اقتصادی، ایران در کانون توجه همه کشورهای جهان قرار گرفته و رفت و آمدهای هیأت‌های تجاری حاکی از همین موضوع است. اما شفافیت، ثبات و قابلیت پیش‌بینی از جمله مهمترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران خارجی از آینده اقتصاد ایران است که با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت اطمینان لازم بدست می‌آید و اقتصاد کشور را برای ورود و مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی آماده می‌سازد. سیاست‌های آزادسازی تجاری باید به شکلی دنبال شود که صنایع ایرانی تشویق به حضور و ارتقاء در زنجیره عرضه تجارت جهانی شوند و بدین ترتیب توسعه صادرات محقق گردد.